

شخصیت فرازمانی حضرت زهراء سلام الله علیها و ضرورت الگوگیری - علی فلاج رفیع
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال یازدهم، شماره ۴۳ «ویژه پژوهش‌های فاطمی»، تابستان ۱۳۹۳، ص ۱۴۴ - ۱۶۱

شخصیت فرازمانی حضرت زهراء سلام الله علیها و ضرورت الگوگیری

علی فلاج رفیع *

چکیده: حضرت زهراء سلام الله علیها همچون دیگر معصومین علیهم السلام مظہر اتم و اکمل خداوند در عالم وجوداند. شناخت ما از آن حضرت وابسته به ابزار شناخت ماست. اما ابزار شناخت آدمی توان احاطه بر همه ابعاد وجودی و کمالات ایشان را ندارد، لذا شناخت وی از سوی ما آدمیان نیز محدود خواهد بود. بنابراین اولاً شناخت حضرت زهراء سلام الله علیها ممکن است و نه ناممکن. ثانیاً شناخت ما کامل نیست؛ چراکه متکی به استعداد و توانایی قوای ادراکی محدود ماست. ثالثاً این شناخت محدود نیز می‌تواند افزایش یابد؛ یعنی شناختی است دارای مراتب که به معرفت نظری و عملی افراد و برخورداری و عدم برخورداری آنها از تجربه‌های دینی - عرفانی و قرب و بعد قلبی وابسته است. رابعاً فضایل وجودی آن حضرت در مراحل مختلف هستی بویژه در مرحله این جهانی، از جمله برخورداری از مقام عصمت کبری، برای انتفاع انسانها در همه دوره‌های حیات بوده است.

کلیدواژه‌ها: حضرت زهراء سلام الله علیها / ابعاد وجودی / ضرورت الگوگیری / خلق‌ت نوری / عصمت کبری / مصحف / تحدیث ملائکه / شفاعت.

* استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

حضرات معمومین علیهم السلام از وسعت وجودی و از ولایت تکوینی و تشریعی برخوردارند، لذا باید انتظار داشت شناختی که از آنان ارائه می‌شود لزوماً با معیارها و شاخصه‌های سنجش معمول بین ما انسان‌ها سازگار باشد؛ آن بزرگواران - از جمله حضرت زهراء سلام الله علیها - از مقاماتی و رای عوالم ما برخوردار بوده‌اند. بنابراین علوم و معارف آنها نیز بعضاً و نه تماماً، با نگرش و سنجش مبتنی بر تجربه‌های معمول سازگاری ندارد. در چنین مواضعی، این ماییم که می‌بایست دیدگاه خود را اصلاح کنیم و آن را ارتقاء دهیم. آن بزرگواران، همچون قرآن نازلند که مرتبه خود را به حد فهم و درک عموم انسان‌ها تقلیل داده‌اند.

منابع معمول شناخت ما تجربه و عقل و نهایتاً شهود و مکاشفه‌هایی است که صحّت و سُقُم آن می‌بایست با معیار قرآن و سنت سنجیده شود، این منابع، توانایی شناخت کامل آن بزرگواران را ندارند. زیرا قلمرو کاربرد و کارایی منابع ما، محدود به تجربه این جهان است. از آنجایی که تجربه معمومین علیهم السلام به طور کامل برای ما رخ نداده است، لذا شناخت آن بزرگواران - از جمله حضرت فاطمه سلام الله علیها - از طریق این منابع چنانچه با کتاب و سنت هماهنگ باشد، قابل اعتماد است. تشخیص صحت و سُقُم این شناخت‌ها، نیز بر عالمان کارآزموده و عارفان محقق و اندیشمند است.

ضرورت واکاوی و پژوهش مدام

جامعه انسانی، به‌طور مستمر، در همه زمان‌ها و در همه مکان‌ها، نیازمند واکاوی وجود مبارک معمومین علیهم السلام است. در هیچ زمانی این واکاوی باید متوقف شود و کسی نمی‌تواند ادعا کند که هم‌اکنون به علت انجام پژوهش‌های

بسیار، نیازی به کار جدید وجود ندارد و ابعاد وجودی معصومین علیهم السلام شناخته شده است.

همان‌گونه که قرآن را همواره و مطابق نیازها و پرسش‌های زمانه می‌توان تفسیر کرد و آدمیان می‌توانند و می‌بایست از قرآن تفسیر مناسب عصر خود ارائه دهن، درباره معصومین و اهل بیت علیهم السلام نیز همین حکم جاری است. به تعبیر امام علی علیه السلام، اهل بیت نازل منزله قرآن‌اند. حضرت می‌فرماید: «فَأَيْنَ تَذَهَّبُونَ؟ وَإِنِّي تَوَفَّكُونَ؟ وَالاعْلَامُ قَائِمٌ وَالْإِيَّاتُ وَاضْحَى وَالْمَنَارُ مَنْصُوبٌ. فَإِنَّ يَتَاهُ بِكُمْ؟ وَكَيْفَ تَعْمَلُونَ؟ وَبَيْنَكُمْ عَتَرَهُ نَبِيُّكُمْ وَهُمْ أَزْمَهُ الْحَقِّ وَأَعْلَامُ الدِّينِ وَالسَّنَةِ الصَّدْقَ، فَأَنْزَلُوهُمْ بِأَحْسَنِ مَنَازِلِ الْقُرْآنِ وَرُدوْهُمْ وَرُدوْهُمُ الْهَمِيمُ الْعَطَالُشُ»؛ «مردم! کجا می‌روید؟ چرا از حق منحرف می‌شوید؟ پرچم های حق برافراشته و نشانه‌های آن آشکار است، با اینکه چراغهای هدایت، روشنگر راهند، همچون گمراهان به کجا می‌روید؟ چرا سرگردانید؟ در حالی که عترت پیامبر شما در میان شماست، آنها زمامداران حق و یقینند؛ پیشوایان دین، و زبان‌های راستی و صداقتند، پس باید در بهترین منازل قرآن جایشان دهید و همانند شتران تشهیه‌ای که به سوی آب شتاباند، به سویشان هجوم ببرید» (نهج البلاعه، خطبه ۸۷/بند ۱۴).

بر این اساس تحلیل زندگی امامان معصوم علیهم السلام و کلمات و سیره و سنت آن بزرگواران نیز-مانند قرآن- می‌تواند در هر عصری مناسب آن عصر باشد. مردمان در عصرهای خود، می‌توانند با کاوش در سیره آنان، پاسخ‌های مناسب با پرسش زمانه خود بیابند. چرا که آنان قرآن مجسم‌اند. البته این پاسخگویی می‌بایست از سوی کسانی صورت پذیرد که از علم و دانش کافی برای تفسیر و تحلیل از زندگی آنها برخوردار و روش آنان، روشنی شناخته شده و مطابق منطقی باشد که آن بزرگواران ارائه داده‌اند. در غیر این صورت، تفسیر به رأی خواهد شد و به انحراف می‌گراید. تفسیر به رأی، همان‌گونه که در قرآن به

شدت نهی شده، در تفسیر و تحلیل از سیره و سنت امامان نیز مردود است.

عصمت فاطمی

حقیقتِ ابعادِ وجودی حضرت زهراء سلام الله علیها، به کُنه مطلب بر ما مکشوف نیست. آن حضرت، معصومهٔ کبری است. یعنی هر چند از مقام نبوت برخوردار نبودند اما ملکهٔ عصمت، وی را از هرگونه گناه، امر ناپسند و خطا معن می‌کرد. کسی که از عصمت برخوردار است، معرفت او در حد تصور بشری نیست. در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

«عصمکم الله من الزلل و آمنکم من الفتن و طهرّ کم من الدنس و اذهب عنکم الرجس و طهرکم تطهّرا» (شیخ صدوق، ۱۴۰۳، ق، ج ۱، ص ۱۶۷).

عصمت، امر خیلی پیچیده‌ای نیست که از زمان گذشته تا به امروز مورد پرسش و تردید عده‌ای قرارگرفته است. بعضی پنداشته‌اند اگر کسی معصوم باشد، مجبور و محکوم است تا گناه نکند و اگر چنین است، پس ارزش کار وی چیست؟ جواب روشن است.

اولاً عصمت ریشه در معرفت و اختیار دارد. هر انسانی در زندگی عملی خود، می‌تواند مرحله‌ای از عصمت را دارا باشد و هست؛ به عنوان مثال، فردی که می‌داند فلان استخر چند متر عمق دارد و او نیز شناگر نیست و به حکم عقل گردن می‌نهاد، به هیچ وجه خود را داخل استخر نمی‌اندازد، چرا که آگاه به نتیجه کار خود است و با تمام وجود می‌فهمد داخل استخر شدن، مساوی با غرق شدن و هلاکت است. و او هلاکت خود را نمی‌خواهد. همچنین انسانی که علم دارد فلان مادهٔ شیمایی، قدرت کشنندگی دارد و خوردن آن موجب مرگ می‌شود، به هیچ وجه لب به آن مادهٔ شیمیایی نمی‌زند، مگر انسانی که از عقل و علم برخوردار نباشد. چون علم دارد که این ماده، همان مادهٔ کشنده است و

چون عقل دارد، نتیجه می‌گیرد که خوردن این ماده شیمیایی، همراه با مرگ است. لذا آزادانه و از روی اختیار دست به چنان عملی نمی‌زند، نه اینکه نمی‌تواند بزند.

انسانِ معصوم، چون از معرفتی والا نسبت به حضور خداوند در عالم وجود برخوردار است، در پیشگاه خداوند دست به گناه و خطأ نمی‌زند. نه این که نتواند و دست او بسته باشد، بلکه به اختیار خود ادب حضور را در حد کمال آن - که اطاعت از خداوند و پرهیز از معصیت اوست - رعایت می‌کند.

انتفاع همگانی از عصمت

نکته مهم در اینجا، آن است که عصمت این بزرگواران به نفع همه انسان‌ها بوده است. خداوند برای ارتباط با انسان‌ها و رساندن پیام خود به آنها در ساختار عالم وجود، می‌بایست کسانی از جنس مردم قرار دهد تا بدون کم و کاست، پیام الهی را به بندگانش برسانند. به گونه‌ای که نه در نظر خطایی از آنان سر زند، نه در عمل، تا دیگر انسان‌ها بتوانند با اطمینان خاطر، بر اساس گفتار و رفتار آنان راه سعادت و کمال را با یقین کامل بپیمایند. نیاز به معصوم در عالم وجود، نیازی کاملاً معقول و اجتناب‌ناپذیر است و فایده و نفع آن نیز به همه انسان‌ها بر می‌گردد. خداوند متعال به پیامبر خود می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْتَكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةُ فِي الْفُرْبِي» (شوری/۲۳)؛ «(ای پیامبر) بگو من هیچ اجری برای نبوت خود از شما نمی‌خواهم مگر مودت اهل بیت خودم» و در جای دیگر فرمود: «ما سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ» (سبا/۴۷)؛ «این مودت که خواستم نیز به نفع شماست».

مقام عصمت، ریشه در معرفت دارد و آدمی به هر میزان از معرفت بالاتر برخوردار باشد از جایگاه برتری در عصمت برخوردار می‌شود.

ادله عصمت حضرت زهراء سلام الله عليها

ادله عصمت آن حضرت بسیار است که در اینجا مجال احصاء آنها نیست. مثلاً آیه مبارکه تطهیر. بنا به روایات مستند از سوی فریقین، حضرت فاطمه سلام الله عليها از جمله اهل بیت شمرده شده‌اند که خداوند طهارت و پاکی آنها را از هر گونه رجس و پلیدی گناه و خطأ و نسیان ضمانت کرده است: «آنما بریدالله لیدھب عنکم الرجس اهل الیت و يطھرکم تطھیرا» (احراب/۳۳)؛ منظور از اهل بیت در این آیه، امام علی، حضرت زهراء، امام حسن مجتبی و امام حسین علیهم السلام می‌باشد (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۵۸).

همچنین سخن حضرت رسول ﷺ در شأن دختر خود، که "یا فاطمه انت منی و انا منک" (علامه مجلسی ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۳۲) بدون تردید بر عصمت حضرت فاطمه سلام الله عليها دلالت می‌کند که علمای بزرگی مثل شیخ مفید، سید مرتضی علم الهدی نیز بر آن تأکید ورزیده‌اند.

حتی فخر رازی که در هر مسئله‌ای از مبدأ تا معاد تشکیک کرده است، در عصمت حضرت سیده نساء العالمین، تسليم محض بوده و معتقد است در عصمت و طهارت آن حضرت، جای شک و تردید نیست (فخر رازی ۱۳۶۵ش، ج ۶، ص ۸۳). فاطمه سلام الله عليها، دارای منزلتی قدسی در قالب و صورت بشری است. لذا پیامبر گرامی ﷺ، آن حضرت را انسیه حوراء لقب داده‌اند و به عصمت کبری ستوده‌اند (ابن حجر هیشی، ۱۹۹۶م، ص ۹۶).

فضائل معصومین علیهم السلام به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱. صفاتی که ویژه آن‌هاست و به علت شأن و مقام بلند آنها، دیگران نمی‌توانند بدان دست یابند و یا دستیابی به آنها حتی در صورت رشد معرفت و مراقبه مدام، بسیار اندک است.

۲. دستهٔ دیگری از صفاتِ آن بزرگواران، برای انسان‌ها کاملاً قابلِ الگوگیری است. همه باید از آن‌ها بیاموزیم و سیرهٔ سنت آنان را در عمل پیاده کنیم. عمدۀ هدف از رسالت و ولایت نیز در این بخش دوم و امکان الگوگیری از آنهاست. قرآن کریم می‌فرماید: «وَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزان: ۲۱)؛ امیرالمؤمنین علیه السلام در کلامی فرمود: شما نمی‌توانید مثل من باشید «وَ لَكُنْ أَعْيُنُونَی بُورَعٍ وَ اجْتَهَادٍ وَ عَفَّةٍ وَ سَدَادٍ»؛ «اما با ورع، کوشش، عفت و خویشنداری و استواری مرا یاری کنید» (نهج‌البلاغه/ نامه ۴۵)؛ یعنی تمسک به صفات، سیره و سنت من بجویید.

فضائل مختص به حضرت زهراء سلام‌الله‌علیها که ما را به حریم آن حرم راهی نیست، از مقام عنداللهی و جایگاه لدی الحالقی آن بزرگوار نشأت می‌گیرد. این دستهٔ فضائل ناشی از ابعادی از وجود آن بزرگوار است که فوق بشر عادی است. اما فضائل قابلِ الگوگیری حضرت بسیاراند که تأسی به آنها برای هدایت و سعادت ابدی آدمیان امری ضروری است.

برخی از ابعاد فضائل حضرت زهراء سلام‌الله‌علیها مربوط به قبل از خلقت و آفرینش، برخی مربوط به این جهان و برخی مرتبط با سرای دیگر است. در این گفتار به طور اجمال و در حد میسرور به این سه قسم فضائل می‌پردازیم.

خلقت نوری قبل از آفرینش

درباره منزلت و مقام حضرت فاطمه زهراء سلام‌الله‌علیها قبل از آفرینش کائنات، روایات مستندی داریم که بعضی از آنها را در این مجال بیان می‌کنیم: در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که حضرت فرمود: قال رسول الله ﷺ: خلق الله نور فاطمة قبل ان يخلق الأرض و السماء؛ پیامبر خدا علیه السلام فرمود: خداوند نور فاطمه سلام‌الله‌علیها را قبل از خلقت زمین و آسمان آفرید.

فقال بعض الناس؛ يا نبی الله! فلیست هی انسیا؟ فقال: فاطمة حوراء انسیه خلق الله عزوجل من نوره قبل ان يخلق آدم؛ اذ كانت الارواح. فَلَمَّا خَلَقَ اللَّهُ عِزَّوِجَلَ آدَمَ عُرْضَتْ عَلَى آدَمَ»؛ «بعضی از مردم به پیامبر عرض کردند: ای رسول خدا، یعنی فاطمه از جنس بشر نیست؟! حضرت فرمود: (چرا) فاطمه حوریه‌ای از جنس بشر است که خداوند متعال از نور خودش قبل از خلقت آدم او را آفرید؛ و او پیوسته به صورت روح بود تا اینکه خداوند آدم را خلق کرد و (سپس) فاطمه علیها السلام را به او نشان داد. (و بر ولایت و محبت او و فرزندانش از حضرت آدم اقرار گرفت)». قیل: يا نبی الله (درک این حقیقت مشکل بود لذا اصحاب مرتب سوال می‌کردند) و أین کانت فاطمه؟ قال: كانت في حقه تحت ساق العرش. دوباره سؤال کردند: ای پیامبر خدا! پس فاطمه علیها السلام کجا بودند؟ حضرت فرمود: در محلی از عرش الهی. برای بار سوم سؤال کردند: غذای ایشان چه بود؟ حضرت فرمودند: تسبیح و تهلیل و تمجید خداوند».

قالوا: يا نبی الله! فما كان طعامها؟ قال: التسبیح و التهلیل و التمجید (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۳، ص ۴).

فهم این مطلب و درک واقعیت و حقیقت آن برای ما - به ویژه با انس به امور دنیوی و محوریت علوم حسی و تجربی - بسیار مشکل است. لیکن ما باید خود را از این فضا خارج کنیم و در روش‌شناسی خود تجدید نظر کنیم تا بتوانیم این معارف را بهتر درک کنیم. چنان‌که در صدر اسلام بعضی از اصحاب به گونه‌ای بودند که درک این مطلب برای آنها خیلی مشکل نبود.

در حدیث معروف کسانه هم به این خلقت قبل از آفرینش تصریح شده است. «فقال الله عزوجل: يا ملائكتی و يا سکان سماواتی! انی ما خلقت سماء مبنیه و لا ارضاً مدحیه و لا قمراً منیراً و لا شمساً مضیئه و لا فلکاً یدور و لا بحراً یجری و لا فُلکاً یسّری الا فی محبه هولاء الخمسه الذينهم تحت الكسأ» (طیحی، ۱۴۱۲ ق، ص ۸۹).

در آیات و روایات بسیار بر این خلقت اشاره شده است، از جمله در حدیث معروف که می‌فرماید: «انما اخذ الله عزوجل ابراهیم خلیلاً لکثره الصلاة على محمد و اهل بيته صلوات الله عليهم» (صدقه، ۱۴۱۶ ق، ج ۱، ص ۳۴).

مستند و قابل قبول بودن این احادیث موجب گردیده که برخی از علماء اهل تسنن نیز اقرار کنند که درک حقیقت مقام بلند آن حضرت برای ما ممکن نیست. برای نمونه استاد دکتر محمد سلیمان فرج می‌نویسد: «ان فضل السيدة فاطمة الزهراء (رضي الله تعالى عنها) سیده نساء العالمين لا يستطيع احد ان يحيط به. لما لها من مكانه عظمى و مقام كريم. فهى بضعه من رسول الله ﷺ لما رواه البخارى انه صلى الله عليه و آله قال: فاطمة بضعة مني يغضبني ما أغصبها. و فى روایة: فمن أغصبها أغصبني. و لذالك فهى افضل نساء العالمين على الاطلاق من بعدها الى القيام الساعه؛ لأنها جزء من رسول الله ﷺ. افضل الخلق طرأ باجماع الامة»؛ «به فضيلت فاطمه زهرا (رضي الله تعالى عنها) سرور زنان عالميان کسی نمی تواند احاطه پیدا کند، چرا که او دارای منزلت عظیم و مقام والایی است، او پارهای از وجود رسول خداست. به جهت آنچه بخاری روایت کرده که پیامبر ﷺ فرمود: فاطمه پارهای از من است، مرا به غضب می‌آورد آنچه که او را به غضب آورد. و در روایت دیگری آمده است: هر چه او را به خشم آورد مرا به خشم آورده است. لذا او برترین زنان عالميان به طور مطلق از شروع دنيا تا روز قیامت است، چرا که او جزئی از رسول خدا ﷺ می‌باشد که به اجماع امت برترین مخلوقات است.

سلیمان کتانی نویسنده مسیحی نیز در مقام حضرت فاطمه سلام الله عليها می‌نویسد: «ان فاطمه الزهراء هي اجل من ان تشير اليها الاسانيد و اكرم من ان تدل عليها السرود»؛ «فاطمه زهرا سلام الله عليها مقامي والاتر از آن دارد که سندهای تاریخی به سوی او اشاره کنند و گرامی تر از آن است که شرح حال گونهها وی



را بشناسانند» (سلیمان کتابی، ۲۰۱۴م، ص ۳).

زینب حکیم شحاده از نویسندهای سنتی سوری در مقدمه کتابش به نام «فاطمه الزهراء ...» گوید: «انی اتهیب الدخول فی حیاتک یا سیدی، و انت التی قال فیها رسول الله الذی لا ينطق عن الهوى ولا يتأثر بنسب او سبب: فاطمه بضعه منی، من آذاهها فقد آذانی و من احبّها فقد احبّنی، فاطمه سیده نساء العالمین»؛ «من از وارد شدن در زندگی تو ای سور من، خوف دارم؛ زیرا تو کسی هستی که رسول خدا^{علیه السلام} که از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید و از سبب یا نسب متأثر نمی‌گردد دربارهات فرمود: فاطمه پاره‌ای از من است، هر کس او را آزار دهد به طور حتم مرا آزده و هر کس او را دوست بدارد به طور قطع مرا دوست داشته است. فاطمه سرور زنان عالمیان است» (حکیم شحاده، ۱۹۹۴م، ص ۸۷).

پیامبر گرامی اسلام اول ما خلق الله است، چنان که خود در احادیث متعدد و مستند به این حقیقت تصریح فرمود. فاطمه زهراء سلام اللہ علیہا نیز پاره‌ای از حقیقت آن حضرت است. پس فاطمه زهراء سلام اللہ علیہا نیز اول ما خلق الله (بن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۲۶۹) است. چنان که در حدیثی حضرت فرمود: اگر من نبودم خداوند عالم را خلق نمی‌کرد (لولاک لاما خلقت الافلاک) و اگر علی^{علیہ السلام} نبود خداوند مرا خلق نمی‌کرد و اگر فاطمه زهراء سلام اللہ علیہا نبود، خداوند ما دو را خلق نمی‌کرد. این حدیث، معانی بسیار بلند و عقل پسندی دارد. یک معنای آن این است که ولایت ادامه نبوت و مکمل آن است، با فاطمه زهراء سلام اللہ علیہا ادامه می‌یابد؛ واسطه این تکمیل، فاطمه زهراء سلام اللہ علیہا است. نیز در حدیثی که طبق آن پیامبر خطاب به دخترش فرمود: «يا فاطمة! انت مني و انا منك» (علامه مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۳۲). این سخنی تعارف‌آمیز نبود، بلکه یک حقیقت متعالی و با عظمت در خلقت آن حضرت بود.

تجليات عرضيه اين جهاني

از فضائل آن حضرت آنچه مربوط به اين جهان است برای نمونه به دو مورد اشاره می‌كنم.

اول. تحديث ملائكه

از امام صادق ع وارد شده است که فرمودند: «آنما سُمیّت فاطمة (محَدثة)، لأنَّ الملائكة كانت تهبط من السماء فتُناديها كما تُنادي مريم بنت عمران، فتقول: يا فاطمة «انَّ الله اصطفيك و طهرك و اصطفيك على نساء العالمين» يا فاطمه «اقتني لربك و اسجدني و اركعي مع الرّاكعين» فتحديثهم و يُحدِثُونها، فقالت لهم ذات ليلة: أليستِ المُفَضَّلة على نساء العالمين مريم بنت عمران؟ فقالوا: انَّ مريم كانت سيدة نساء عالمها، و انَّ الله عز وجل جعلك سيدة نساء عالمك و عالمها، و سيدة نساء الاولين و الآخرين» (شيخ صدوق، ۱۳۷۶، ص۲۰۰)؛ «امام صادق ع فرمودند: اينکه فاطمه محدثه نام گرفت، بدین جهت است که ملائكه الهی از آسمان بر آن حضرت هبوط می‌نمودند و همانطور که با حضرت مريم دختر عمران ع حرف می‌زدند با ايشان نيز سخن می‌گفتند. زمانی ملائكه به وی گفتند: ای فاطمه به راستی خداوند متعال ترا برگزیده و مظہر ساخته است و تو را بر همه زنان هر دو جهان برتری داد.» ای فاطمه «برای پروردگاری قنوت کن، سجده نما و به همراه رکوع کنندگان رکوع کن». پس فاطمه با ايشان حرف می‌زدند و ايشان با حضرت فاطمه سخن می‌گفتند، تا اينکه شبي حضرت خطاب به ملائكه فرمودند: مگر حضرت مريم دختر عمران برترین زنان عالم نبود؟ ملائكه در جواب عرض کردند: (ای فاطمه!) همانا مريم ع فقط سيدة زنان روزگار خودش بود، در حالیکه خداوند

متعال شما را سيدة زنان عصر او و عصر خودت و سيدة همه زنان عالم از اول خلقت تا آخر آن قرار داده است».

آنچه در این حدیث مورد تأکید و استناد است، محدثه بودن آن حضرت است. اگر آن حضرت محدثه است بنابراین از علومی برخوردار است که دیگران از دسترسی به آن عاجزاند.

دوم. مصحف

به تصریح روایات مستند، حضرت دارای مصحفی بودند که علوم دور از دسترس دیگران که مهمترین آن حوادث و رویدادهای عالم است، در آن مصحف گردآوری شده و در نزد ائمه علیهم السلام و اکنون در نزد صاحب امر (عج) نگهداری می‌شود. (در فصل دوم به طور مژروحتر به مصحف حضرت پرداخته می‌شود).

فضایل عرشیه آن جهانی

۱. اولین شخص وارد در بهشت

بر اساس روایات، حضرت اولین شخصی است که در قیامت، پای در بهشت الهی می‌گذارد. در حدیثی پیامبر گرامی صلوات الله علیہ و آله و سلم فرمود: اول شخص یدخل الجنة فاطمة (متقی هندی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۲، ص ۱۱۰).

۲. شفاعت از شیعیان و دوستان

آن حضرت علاوه بر اینکه خود وارد بهشت می‌شوند، دوستان و پیروان خود را نیز شفاعت می‌کنند تا آنها نیز با وی وارد بهشت بشونند. امام رضا علیه السلام فرمود: قال رسول الله صلوات الله علیہ و آله و سلم: «انى سميتُ ابنتى فاطمة لانَ الله (عزوجل) فطمها و فطم من احبابها من النار» (امالی طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۹۴).

امام رضا علیه السلام به نقل از رسول خدا صلوات الله علیہ و آله و سلم فرمود: «همانا من اسم دخترم را فاطمه

گذاشتم؛ چرا که خداوند (عزوجل) ایشان و محبانش را از آتش جهنم باز داشته است.» فَطَم در لغت عرب به معنای «جدا کردن» و فاطمه «جدا کننده» و «بازدارنده» است. که مذکر آن نیز «فاطم» می‌باشد.

در حدیث دیگری آمده است: قال رسول الله ﷺ: «بَا فَاطِمَةً! أَبْشِرِي؛ فَلَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا مُحْمَودًا تَشْفَعِينَ فِيهِ لِمْحَبِّيكَ وَ شَيْعَتِكَ فَتُشَفَّعُينَ. يَا فَاطِمَةً! لَوْ أَنَّ كُلَّ نَبِيٍّ بَعْثَهُ اللَّهُ وَ كُلَّ مَلَكٍ قَرِيبَهُ، شَفَعُوا فِي كُلِّ مِغْضَبٍ لَكَ غَاصِبَ لَكَ مَا أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ أَبْدًا» (شیخ حرمعلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۵۱۸)؛ «رسول خدا ﷺ خطاب به حضرت فاطمه سلام الله علیها فرمودند: ای فاطمه مژده باد تو را که نزد خداوند شان و منزلت پسندیده‌ای از آن توست؛ و برای دوستان و محیین و شیعیان خود شفاعت کرده و شفاعت در حق آنان پذیرفته خواهد شد.

ای فاطمه! اگر تمام پیغمبران و فرشتگان مقرّب خداوند از کسانی که با تو دشمنی کنند و حق تو را غصب کنند، شفاعت نمایند (شفاعتشان پذیرفته خواهد شد و خداوند متعال آنان را از آتش و عذاب جهنم نجات خواهد داد).

۳. اشراف بر صحنه قیامت

ورود فاطمه سلام الله علیها به صحنه قیامت و دستور احترام و تکریم جبرئیل به آن حضرت شاهد دیگری بر عظمت شان آن بزرگوار است. در حدیثی پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ تُقْبَلُ ابْنَتِي فَاطِمَةُ عَلَى نَاقَةٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ مُدَبِّجَةً الْجَنْبَيْنِ خَطَامُهَا مِنْ لَوْءِ رُطْبٍ، قَوَائِمُهَا مِنْ الزُّمْرِدِ الْأَخْضَرِ، ذَنْبُهَا مِنْ الْمُسْكِ الْأَدْفَرِ عَيْنَاهَا يَاقُوتَانِ حَمَرَاوَانَ، عَلَيْهَا قَبَّهَا مِنْ نُورٍ يَرِى ظَاهِرَهَا مِنْ بَاطِنِهَا وَ بَاطِنَهَا مِنْ ظَاهِرَهَا، دَخَلَهَا عَفْوُ اللَّهِ، وَ خَارَجَهَا رَحْمَهُ اللَّهِ، عَلَى رَأْسِهَا تَاجٌ مِنْ نُورٍ، لِلتَّاجِ سَبْعُونَ رَكَناً، كُلُّ رَكْنٍ مَرْصُوعٌ بِالدَّرْ وَ الْيَاقُوتِ، يَضْعِيُ كَمَا يَضْعِيُ الْكَوْكَبُ الدَّرِيُّ فِي افْقَ السَّمَاءِ، وَ عَنْ يَمِينِهَا سَبْعُونَ الْفَ مَلَكًا، وَ عَنْ شَمَائِلِهَا سَبْعُونَ الْفَ مَلَكًا؛ وَ جَبَرِئِيلُ اخْذَ بِخَطَامِ النَّاقَةِ، يَنْدِي بِأَعْلَى صَوْتِهِ: غَضَّوْ ابْصَارَكُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ بَنْتُ مُحَمَّدٍ. فَلَا يَبْقَى يَوْمَئِذٍ نَبِيٌّ وَ لَا رَسُولٌ وَ لَا صَدِيقٌ وَ لَا شَهِيدٌ، إِلَّا غَضَّوْ ابْصَارَهُمْ، حَتَّى تَجُوزَ

فاطمه فتسیر حتی تحاذی عرش ربها جل جلاله - فترج بنفسها عن ناقتها، و تقول: «الهی و سیدی، احکُم بینی و بین من ظلمَنِی، اللهم احکم بینی و بین من قتل ولدی». فإذا النداء من قبل الله جل جلاله - «يا حبیتی وابنه حبیبی! سلینی تعطی، و اشفعی تُسْعَفَی، فو عزتی و جلالی، لاجازی ظلم ظالم».

فتقولُ: «الهی و سیدی! ذریتی و شیعی و شیعه ذریتی و محبی و محبی ذریتی». فإذا النداء من قبل الله - جل جلاله: «این ذریّه فاطمه و شیعتها و محبوها و محبو ذریتها!!» فیقبلون، و قد احاط بهم ملائکه الرحمة، فتقدّمهم فاطمه علیها حتی تدخلهم الجنَّة» (شیخ صدوق، ۱۳۸۹، ص ۳۲).

«رسول خدا علیه السلام فرمودند: آنگاه که روز قیامت بر پا شود، دخترم فاطمه علیها در حالی که سوار بر ناقه‌ای از ناقه‌های بهشتی است ظاهر می‌شود و دو طرف ناقه آن حضرت مزین است و مهار آن از مروارید تازه و سبز رنگ و پاهای آن از زمرد سبز و دم آن مشک خوشبو و چشمانش از یاقوت سرخ است. بر بالای آن ناقه قبه‌ای از نور است که ظاهرش از باطنش و باطنش از ظاهرش پیداست و داخل آن نور عفو الهی و خارجش رحمت الهی است. بر سر آن حضرت تاجی از نور است که هفتاد رکن دارد و هر رکن آن با در و یاقوت مزین است و همانند ستاره درخشان در افق آسمان می‌درخشد و هفتار هزار ملک از جانب راست و هفتاد هزار ملک از جانب چپ، آن حضرت را همراهی می‌کنند و جبرائیل علیه السلام در حالیکه مهار ناقه حضرت را در دست گرفته است با صدای بلند ندا می‌دهد:

«همگان چشمان خویش را برهم نهید تا فاطمه زهرا علیها دختر رسول خدا علیه السلام

عبور فرماید».

پس در آن روز هیچ پیغمبر و رسول و صدّیق و شهیدی نیست مگر آنکه چشمان خویش را بسته‌اند تا فاطمه^{علیها السلام} عبور کند و در مقابل عرش الهی می‌ایستند و از ناقه‌اش پیاده می‌شود و به خداوند متعال چنین عرض می‌کند: «ای إله من و ای آفای من! بین من و کسانی که بر من ظلم کردند داوری کن. معیوبدا! بین من و کسانی که فرزندم را کشتند حکم نما». آنگاه، از جانب خداوند عزوجل ندا می‌آید: «ای حبیبه من و ای دختر حبیب من! هر چه میل داری از من بخواه تا عطا کنم، و از هر که می‌خواهی شفاعت نما تا شفاعت پذیرفته شود، به عزّت و جلال خودم قسم می‌خورم که همهٔ ظالمان را مجازات خواهم نمود».

پس آنگاه حضرت فاطمه سلام الله علیها عرض می‌کند: «إله من و سید من! با ذریه من و شیعه من و شیعه ذریه من و دوستداران من و دوستداران ذریه من مدارا کن!». پس خداوند - جل جلاله - ندا می‌فرماید: «کجا یند ذریه فاطمه و شیعه فاطمه و دوستداران فاطمه و ذریه ایشان؟».

آن وقت، ذریه و شیعه و دوستداران آن حضرت در حالی که ملائکه رحمت الهی ایشان را احاطه کرده‌اند جلو خواهند آمد و حضرت فاطمه^{علیها السلام} در حالیکه در جلوی ایشان حرکت می‌کند همه آنها را داخل در بهشت خواهد فرمود». نکات قابل تأمل در این حدیث شریف بسیار است که بعضی از آنها از فهم و ادراک ما خارج است. اینکه حضرت سوار ناقه می‌باشد و خصوصیات ناقه، رنگ‌های آن، شکل و شمایل آن همه و همه اشاره به معانی بلندی دارد که ما نمی‌توانیم آنها را درک کنیم.

اینکه حضرت در آن روز با عظمتِ وصف‌ناشدنی و اکرام و احترام بهت‌انگیز وارد صحرای محسن می‌شوند و اولین و آخرین از انبیاء و مرسیین و شهداء و صدیقین نظاره‌گر آن خواهند بود و بر مقام آن حضرت غبطه خواهند خورد، اشاره به جایگاه ویژه آن حضرت در انتقال نبوت پیامبر خاتم به ولایت و وصایت خاتم و هدایت جهانیان از یمن وجود آن حضرت دارد، که در اینجا نیز عقل‌های ما از فهم کهنه این معنا عاجز است. همچنین است دیگر بخش‌های این حدیث از جمله تظلم آن حضرت، مطرح کردن شهادت فرزندش، خطاب الهی به آن حضرت و شفاعتش، همه نشان از مقام رفیع آن بزرگوار در درگاه خداوندی و جایگاه حضرتش در دایره گیتی و نظام هستی دارد.

گروه دوم. فضایل

بخشی از فضائل بانوی اسلام، مقامات و آثار عملی و نظری آن حضرت در حیات و زندگی این جهانی است.

از جمله آن مقامات ایمان و عبادت حضرت می‌باشد. پیامبر خدا در حدیثی فرمود: «إِنَّ ابْنَتَيْ فَاطِمَةَ مَلَّا اللَّهُ قَلْبَهَا وَ جَوَارِحَهَا إِيمَانًا إِلَى مَشَاشِهَا، فَتَفَرَّغَتْ لِطَاعَتِهِ اللَّهِ» (طبری، ۱۴۱۳ ق، ص ۱۳۹)؛ «براستی که خداوند متعال قلب و جوارح دخترم فاطمه سلام الله عليها را تا عمق وجودش مملو از ایمان کرده است و همانا او خود را برای اطاعت و عبادت الهی فارغ نمود». همچنین خانه‌داری حضرت، ادب و حرمت حضرت، وقار حضرت، ساده زیستی حضرت، عفت حضرت، تلاش و کوشش و خستگی ناپذیری حضرت، اطاعت محض حضرت از رسول خدا ﷺ، اطاعت محض آن بانوی بزرگ از امیر المؤمنین علیه السلام و به طور کلی همه آنات و لحظات زندگی و سیره عملی آن بزرگوار، شهادت بر عظمت مقام و جایگاه

نتیجه‌گیری

وی دارد. از سوی دیگر احادیث و روایات به یادگار مانده از آن حضرت به ویژه خطبه مشهور و معروف آن عالمه محدثه که نشان از علم وافر ایشان دارد و سرشار از مضامین عالی و معانی بلند همراه با کشف حقایق مهم است.

معصومین علیهم السلام به دلیل برخورداری از عصمت، از جایگاهی فرازمانی برخوردارند. بر همه انسانها در طول اعصار متواتی ضروری است تا شخصیت آنان را مورد واکاوی قرار داده و متناسب با زمان خود سیره و سنت آنان را الگوی زندگی خود قرار دهند.

حضرت فاطمه زهراء بر اساس روایات مستند از سوی رسول خدا صلوات الله عليه و آله و سلم به عصمت کبری ستوده و الگوی همه عالمیان به ویژه زنان، معرفی شده‌اند. شخصیت برجسته حضرت زهراء سلام الله علیها در همه مراحل خلقت از ابتداء خلقت نوری تا انتهای عالم و در محشر کبری، ستوده خالق سبحان و بهترین خلق او یعنی پیامبر اکرم صلوات الله عليه و آله و سلم و همه انبیاء و اولیای الهی است. این ستایش‌ها نیست مگر ضرورت روی آوردن همه آدمیان به ویژه مسلمانان و بالاخص شیعیان به آن حضرت و بهره‌گیری از برکات و فضائل آن بزرگوار. این بهره‌گیری را از سر استحباب و تفرعن نباید نگریست، بلکه همچون بهره‌گیری از نور و گرمای خورشید عالمتاب امری حتمی و ضروری است. هم سیره زندگی آن حضرت و هم کلام نورانی وی را می‌بایست با دقت مورد توجه قرار داد و در همه مراحل زندگی از آن بهره‌مند شد. سعادت و خوشبختی آدمیان در دو سرا میسر نیست مگر با تأسی به سیره معصومین علیهم السلام بویژه حضرت صدیقه طاهره. نوشتار حاضر با معرفی شمه‌ای از ابعاد وجودی آن بزرگوار در صدد برآمده است تا با ایجاد حساسیت و اثبات امکان الگوی از آن بزرگوار راهی

برای این مهم بگشاید.

منابع

١٦١

قرآن کریم

نهج البلاغه.

١. شیخ صدوق، عيون اخبار الرضا، ج ١، تصحیح علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، ١٤٠٣ ق.
٢. کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین علیہ السلام، محقق، محمودی، محمد باقر، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، ١٣٨١.
٣. حاکم نیشابوری، مستدرک الصحیحین، دار احیاء الراث العربی، بیروت، ١٤٢٢ ق.
٤. فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، تفسیر کبیر، ج ٦، معارف، ١٣٦٥.
٥. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، علل الشرایع، مؤسسه دار الحجه للثقافه، ١٤١٦ ق.
٦. کتانی، سلیمان، فاطمه زهرا، وتر فی غمد، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت علیہ السلام، ٢٠١٤ م.
٧. شحاده، حکیم، نیراس الرساله الاسلامیه، مؤسسه النوری، دمشق، ١٩٩٤ م.
٨. ابن شهر آشوب، ابو جعفر محمد بن علی، المناقب، مؤسسه علامه، ١٣٧٩، ج ٣.
٩. شیخ صدوق، امامی، چاپ زائر، نوبت اول، ١٣٨٩.
١٠. طبری، محمد بن حیر، دلائل الامامة، انتشارات بعثت، ١٤١٣ ق.
١١. صدوق، محمد بن علی، معانی الاخبار، جامعه مدرسین، ١٣٦١ ش.
١٢. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، انتشارات الوفاء بیروت، ١٤٠٤ ق.
١٣. فخر الدین، محمد علی طریحی، المنتخب، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ١٤١٢ ق.
- ابن حجر، احمد بن محمد بن هیشمی، صواعق المحرقة، مؤسسه الرساله، بیروت، ١٩٩٦ م.
١٤. احسائی، ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، مطبعه سید الشهداء، ١٤٠٣ ق.
١٥. منقی هندی، علاء الدین علی ابن حسام، کنزالعمال، دارالكتب العلمیه، بیروت، ١٤٢٤ ق.
١٦. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن بن علی، وسائل الشعیه، مؤسسه آل البيت علیہ السلام، ١٤١٤ ق.
١٧. طوسی، محمد بن حسن، امامی، دارالثقافه، ١٤١٤ ق.